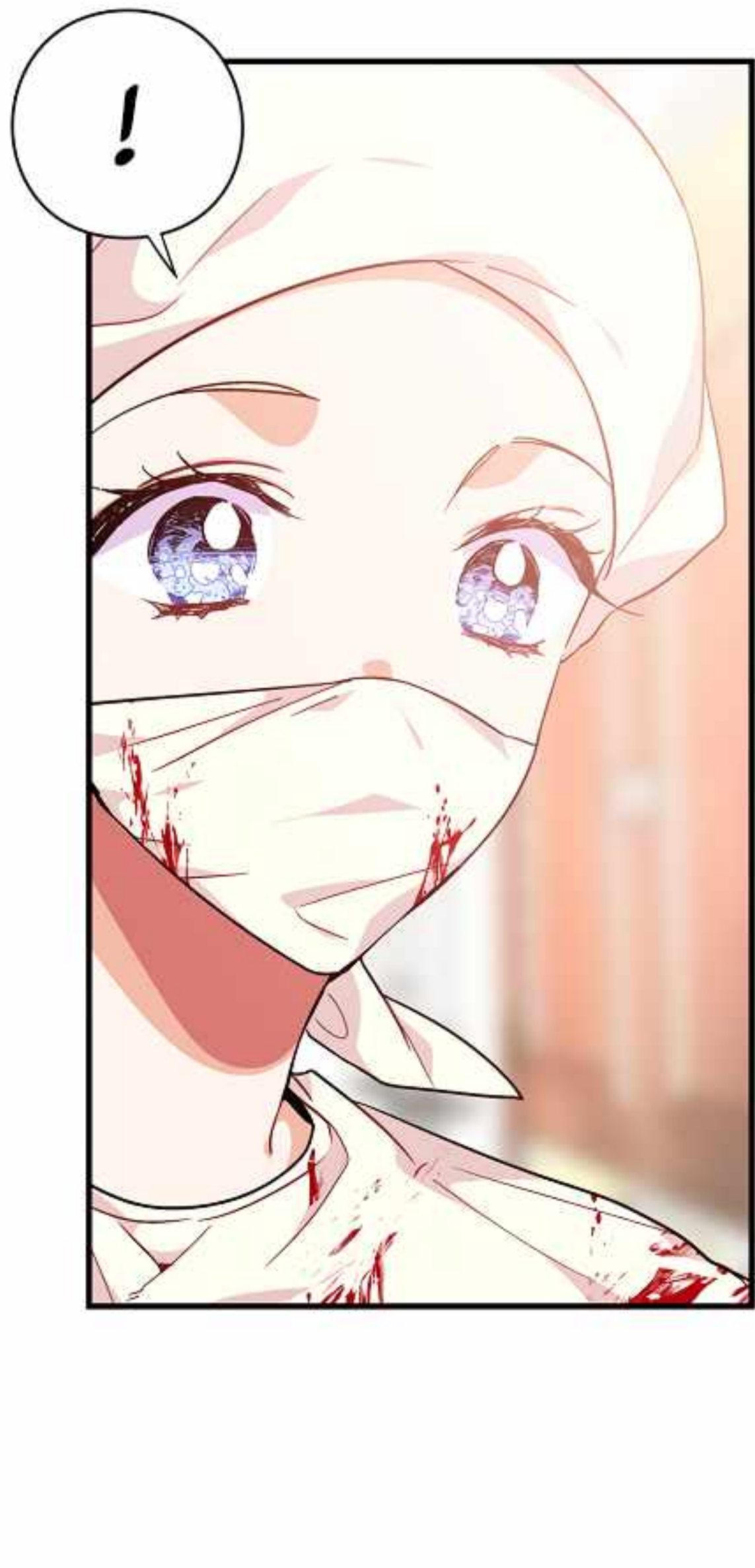




وضعش چگونه؟

فشار سیستولیکش
ضربانش هم 130.



!

حالش
خیلی بهتر از
اونیه که فکر میکردم.
از قبل خیلی
بهتر شده.

استاد گرام
کار سختی
انجام داده.



استاد،
مطمئنم آسون نبوده.
ممنون.

برخلاف ظاهر
من یه دکتر نابغه ام.
همچین کاری در
توانم هست.



آه

لطفاً
پنس استیل رو بده.
باید فوراً جراحی رو
شروع کنیم.

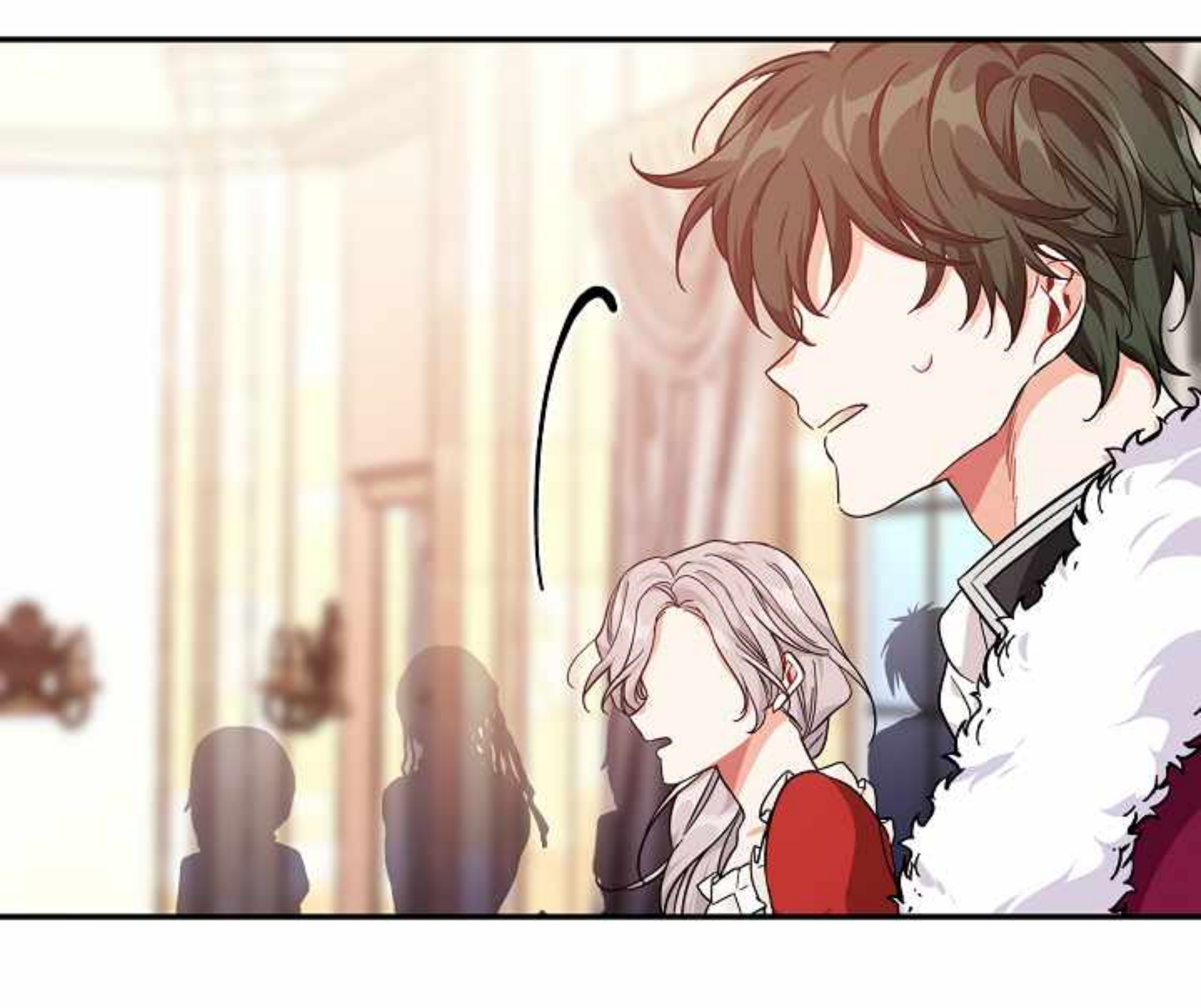


웹툰 mini 원작 유인

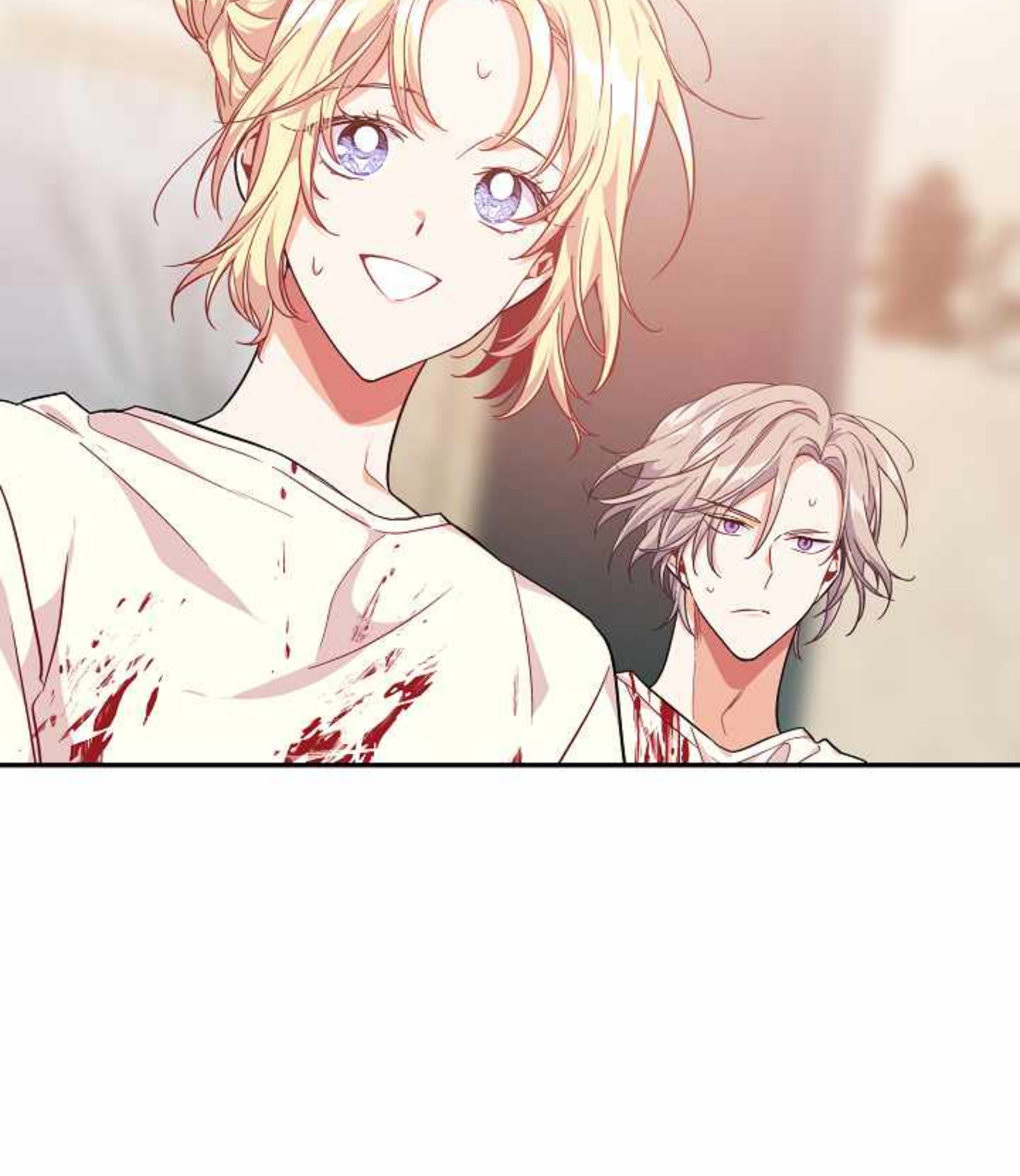
제 118 화



غژ



هر دوشون
به محض اینکه
وضعیتشون پایدار بشه
حالشون خوب میشه.



...!!!



ازتون ممنونم،
ویکتورس!

خیلی
ممنون...!



g
l
a
n
c
e

نگاه انداختن




سخت
کار کردی لیزه.



مرسی،

لیندن.



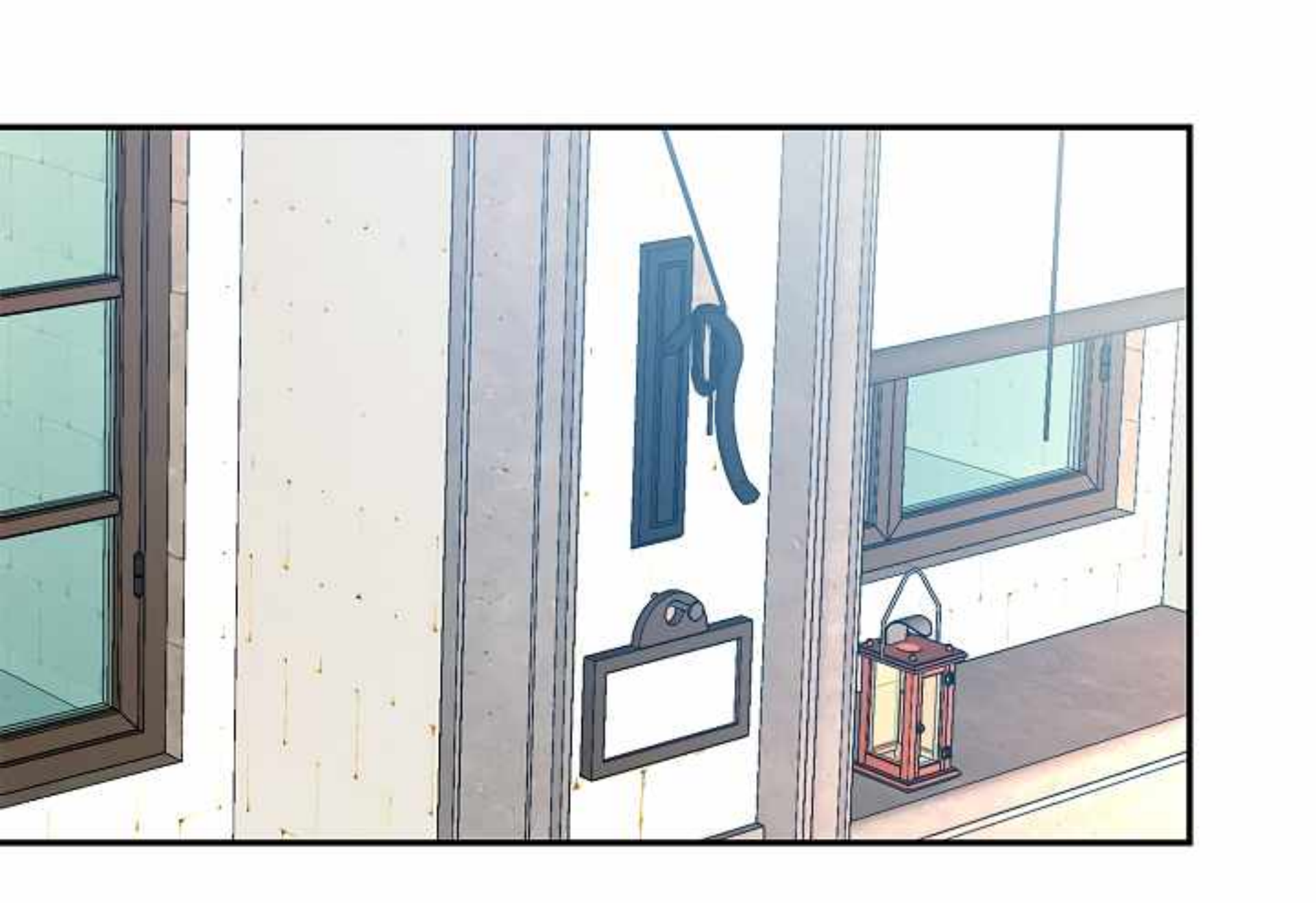


بانو کلارنس؟
ویکنتس الیزه؟


چی؟،
تو نمیشناسیش؟
قراره ملکه آینده
بریتیا بشه.

فوق العاده ست.
نمیتونم باور کنم.

چطور تونسته
همچین جراحی ای
انجام بده؟ این یه
معجزه کامله.



درد قفسه سینتون
چطوره ارل؟



...خوبه.



تفستون معمولیه؟
سرگیجه ندارین؟

...من بهترم.

خدا رو شکر.
هیچ علائم دیگه
ای ندارین؟



چرا نجاتم داد...؟



چرا برای نجات من
اینقدر خودشو تو دردسر
انداخت؟

من دشمنشم.



...اگه من بودم،
خودمو ول میکردم
تا بیمیرم. چرا من
رو نجات دادین؟

یک دکتر
برای نجات بیماراش
دلیل خاصی لازم
نداره.



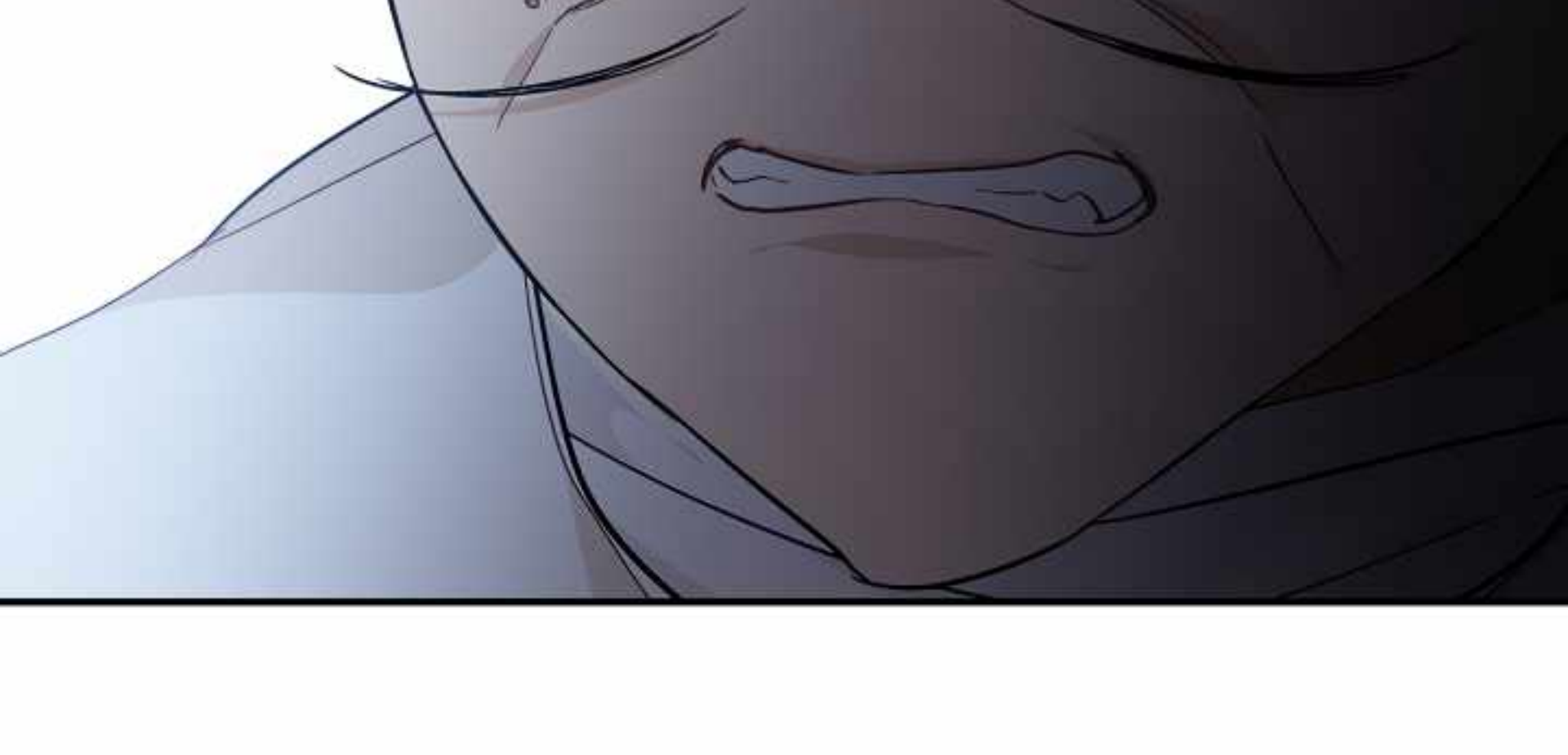
GRIN

لبخند



به چیز دیگه ای
فکر نکنین و فقط رو
بهرتر شدن تمرکز
کنین ارل.

در کل اگه احساس
ناراحتی ای داشتن
به من خبر بدین.



...بانو کلارنس.

...ممنونم...



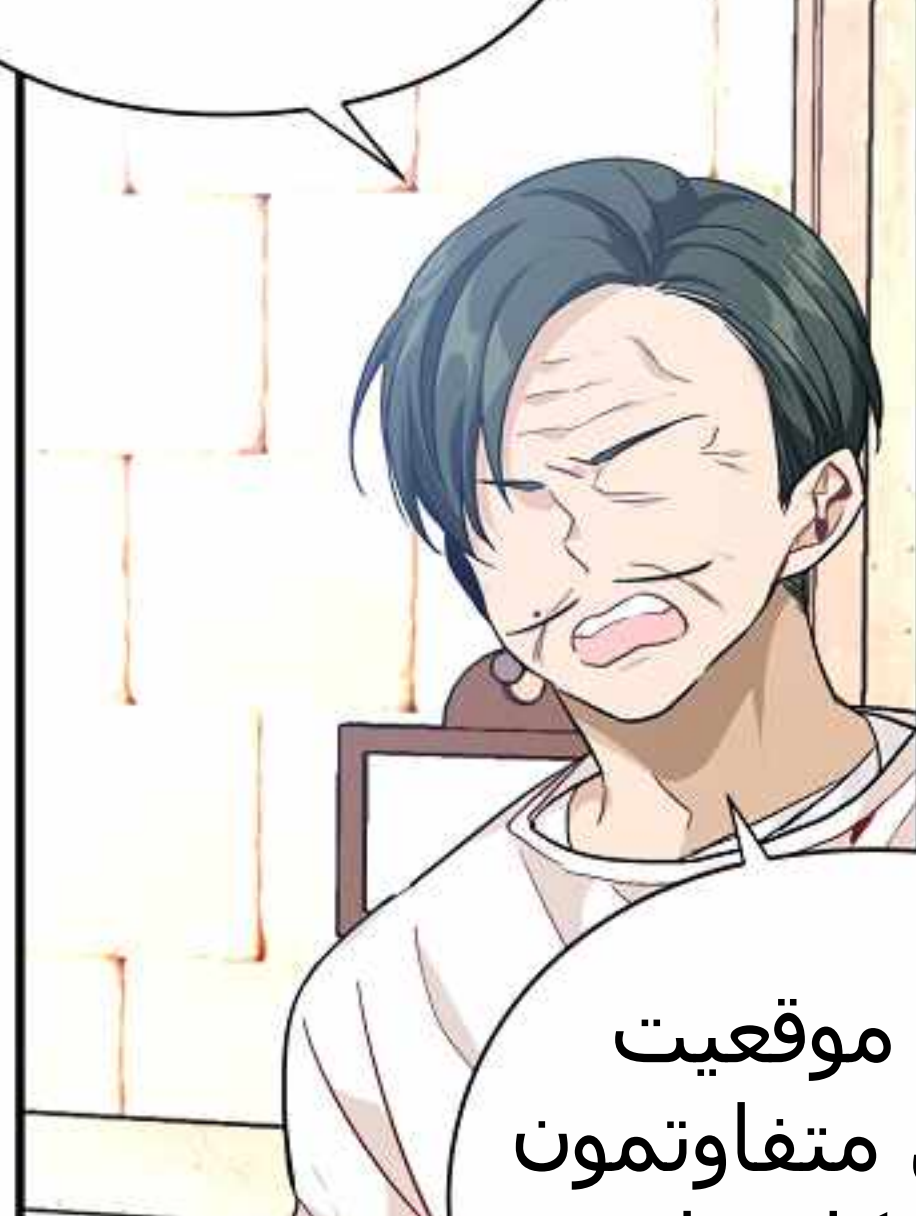
نمیدونم چطور
براتون جبران کنم...
میخوام این لطف رو
جبران کنم.



میخوام به عنوان
تشکر بهتون چند
تا هدیه بدم.

چیزی هست
که ازم بخواین؟

بخاطر موقعیت
سیاسی متفاوتمون
نمیتونم کار زیادی
بکنم، ولی...





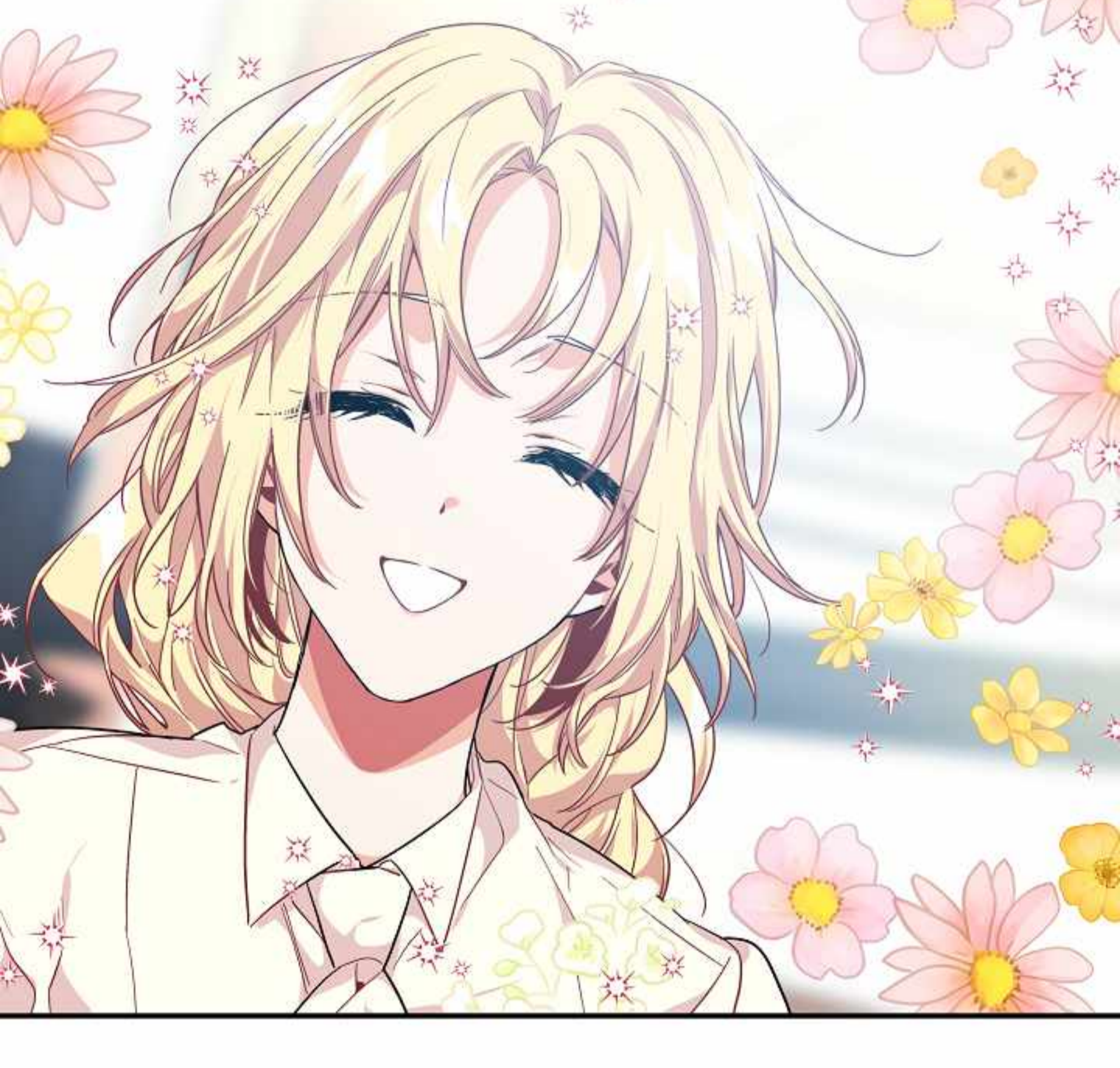
لیخند
کیک
توت فرنگی.

...توت...چی؟



من
کیک توت فرنگی رو
از همه چی بیشتر
دوست دارم.

وقتی از
بیمارستان مرخص
شدین، هر زمان که توی
قصر کاری داشتین بدون
کیک از قنادی کارین
برام بیارین.



تپ...سی...



HAHA

به محض اینکه
مرخص شدم تمام کیک
های توت فرنگی همه‌ی
قنادی‌های شهر رو
براتون میخرم.

هاها

ممنون.

بانو
کلارنس.

...?

فقط گوش کنین.
بعداً...

اگه چیزی بود

که دوست داشتی

ازم درخواست کن،

لطفا اینکارو بکن.

تا وقتی که به

رهبرمون، شاهزاده

سوم، صدمه نزنه..تمام

تلاشم رو میکنم که

درخواستتون رو

برآورده کنم.

باشه، ممنون.
لطفا راحت استراحت
کنین.



کودتای فرانسوی...



به سودمون نیست
که دخالت کنیم؟

بعد ترور
سایمون نیکلاس،
شنیدم که شهر پایتخت
جمهوری فریس کاملاً
هرج و مرج شده.

اگه به طور
مخفیانه پشتیبانیشون
کنیم، ممکنه بتونیم
هرکسی که بخوایم رو
به عنوان رهبر جمهوری
انتخاب کنیم.



ولی اگه توی
سیاست های کشور
خارجی دخالت کنیم،
ممکنه مورد انتقاد
قرار بگیریم.

خب، اگه بتونیم
کسی رو که مطلوب
ملت بریتیا بذاریم، ارزش
تحمل سرزنشها رو
داره.

این کشوری که
داریم ارزش میگیریم
هر کشوری نیست.
جمهوری فرانسه
است.

فکر نکنم این
تصمیمی باشه که
به راحتی بشه
گرفت.



من این تصمیم رو
به عهده تو میذارم لیندن.
این چیزیه که رو نسل تو اثر
میذاره نه من.



چطور میتونید پدر...



اینطوری بهم
نگاه نکن. زمان همه
آدما یه روز تموم
میشه.



نگید پدر.
شما به زودی کاملا
خوب میشد.

باشه باشه.
اشتباه کردم.

بازم، تو کسی
هستی که باید انتخاب
کنی. حتی اگه این ماه
زندگی من تموم نشه،
هنوزم این سیاست رو
نسل تو تاثیر میذاره.

نمیشد جلوی اینکه من
مجبور به روبه رو شدن با
جمهوری با گرفتن یه اسلحه
به سمت سایمون نیکلاس
بشم رو گرفت.

ولی
هیچ نیازی نیست که
تو همینکار رو
بکنی.

مهم اینه که
شهروند ها رو زمان
تصمیم گیریت در نظر
داشته باشی.

اینجوری هر تصمیمی
که بگیری، پر از اساس
پشیمونی نمیشی.

خب، حرف تو که
میشه من چیزی برای
نگرانی ندارم.

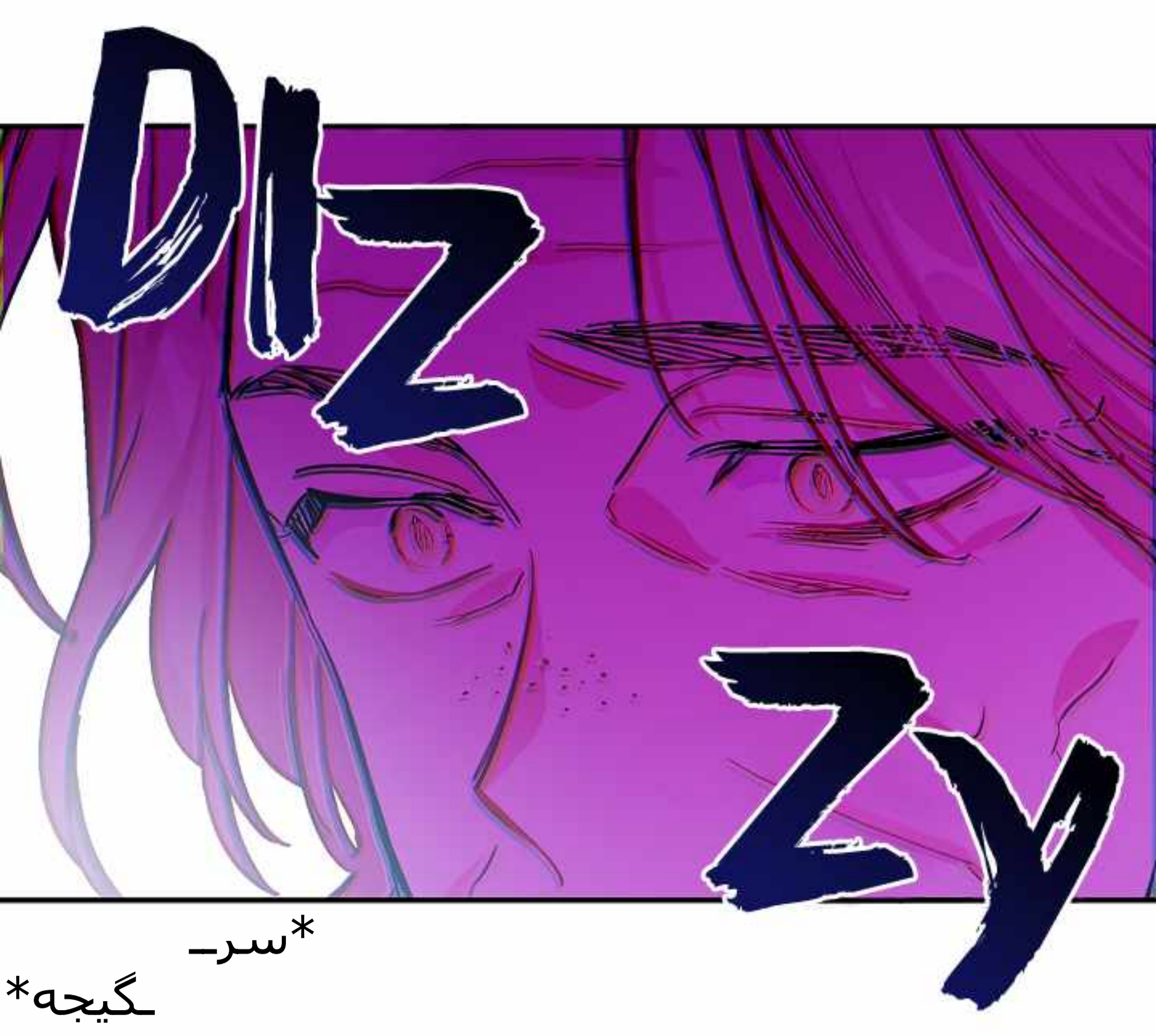


می‌تونستم کار
بهتری انجام بدم؟

به هر حال، فکر کنم
الان بلند بشم. یکم
احساس سرگیجه
دارم.



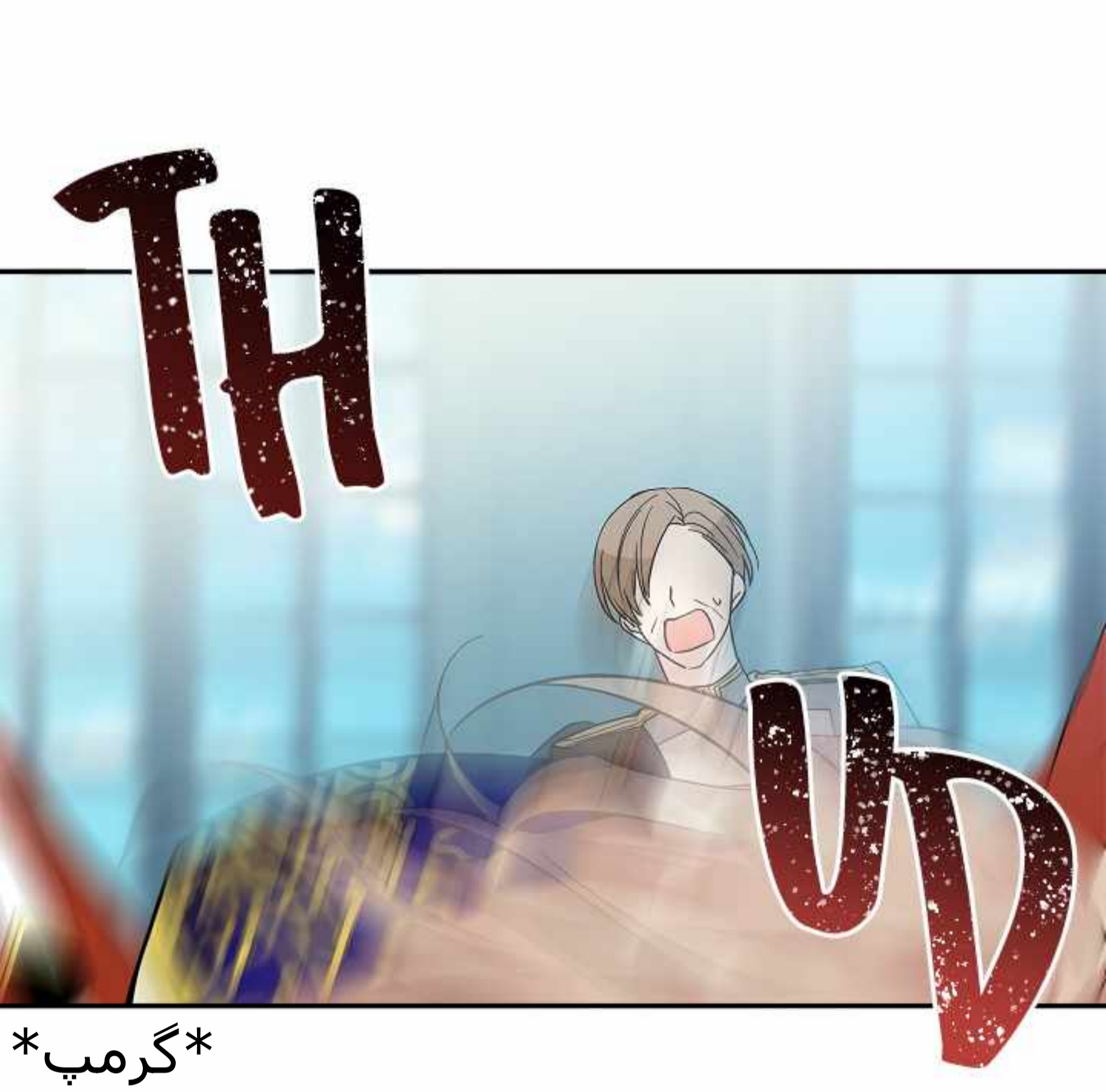
با لرد بینت بر میگردم،
پس لازم نیست هیچکدوم
از شما همراهیم کنین.
فقط رو این مسئله
تمرکز کنید...



*سر-
گیجه*



برخاستن



گرمپ



دکتر رو خبر
کنید!
سریع!

پایان چپتر ۱۱
دکتر آینه